

# بازگشت به راهبرد موازنه منفی

الهه کولایی همراهی روسیه با بیانیه شورای همکاری خلیج فارس را درباره جزایر ایرانی بررسی کرده و پیشنهاد می‌کند

## گروه سیاسی

«روسیه بیانیه ضدایرانی اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) درخصوص جزایر ایرانی را تایید و امضا کرد.» این خبری است که از روز سه‌شنبه منتشر شد و بازتاب‌های وسیعی در رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد. واکنش دولت سیزدهم به یک چنین رفتاری علیه تمامیت ارضی ایران در ساعات نخست، همراه با سکوت و حیرت بود. از روز گذشته اما آرام شاهد بروز برخی واکنش‌ها از سوی مقامات اجرایی کشور و مسوولان وزارت امور خارجه بودیم. ابتدا خبر رسید که سفیر روسیه به وزارت خارجه ایران احضار شده و پس از آن هم امیر عبداللهیان و بهادری جهرمی با انتشار توییت‌هایی، واکنشی نصفه و نیمه به موضوع داشتند. در این توییت‌های مشترک ذکر شده بود: «بر سر منافع ملی و خاک کشور با احادی تعارف نداریم.» کاربران اما با انتقاد از مسوولان دولتی اعلام کردند، چرا در این توییت‌ها نامی از روسیه برده نشده است! الهه کولایی استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با «اعتماد» ضمن بازخوانی مسیر رفتارهای غیردوستانه روسیه با ایران، چرایی بروز این نوع رفتارها را تحلیل می‌کند. به اعتقاد این استاد دانشگاه کنار گذاشتن راهبرد موازنه منفی توسط ایران، یکی از دلایلی است که باعث بروز این نوع رفتارها در طرف روسی شده است.

موضوع بیانیه اخیر روسیه و شورای همکاری خلیج فارس درباره جزایر ایرانی با واکنش‌های منفی افکار عمومی ایران مواجه شده است. یک چنین رفتارهایی از سوی روسیه به چه دلیل ظهور و بروز می‌یابد؟

این نوع رخدادها که در کشور ما باعث تعجب و حیرت بسیاری از

مسوولان و تصمیم‌گیران می‌شود، ناشی از نداشتن درک درست از واقعیت‌های محیط بین‌المللی و ساز و کار حاکم بر روابط کشورها است. در اساس کشورهایمانند روسیه، آمریکا، ژاپن و هر کشور دیگری، رفتار خود را در محیط بین‌المللی در جهت دستیابی به منافع ملی خود، ارتقا و افزایش آن تنظیم می‌کنند. بنابراین این تصور که روسها در تنظیم روابطشان با ایران یا هر کشور دیگری، نگاهی به تامین منافع جمهوری اسلامی ایران داشته باشند با واقعیت‌های بین‌المللی در تضاد و تقابل کامل قرار دارد. روسیه هم در تنظیم روابط خود با کشورهای حوزه خلیج فارس (به ویژه کشورهای جنوبی خلیج فارس) مانند همه کشورهای جهان، از یلطرف دستیابی به منافع کلان خود را جستجو می‌کند و از سوی دیگر برای شکل دادن به معادلات بین‌المللی این روابط را دنبال کرده و می‌کوشد تا زمینه‌های توفیق خود را فراهم کند.

**این روابط راهبردی که روسیه و حتی چین در منطقه خاورمیانه جستجو می‌کنند، شامل چه مواردی هستند؟**

تامین منافع اقتصادی و راهبردی در بالای تلاش‌های روسی-چینی قرار دارد. روسیه هم مانند چین در منطقه خلیج فارس علایق اقتصادی مشخصی را در ارتباط با نقش این کشورها در بازار انرژی از یلسو و خرید سلاح، تجهیزات نظامی و همچنین همکاری‌های سیاسی در عرصه‌های مختلف از سوی دیگر دنبال می‌کند. به ویژه بازارهای این کشورها و ظرفیت‌های اقتصادی مربوط با توسعه روابط با این کشورها مورد نظر روسیه قرار دارد. به ویژه در شرایطی که به دلیل تجاوز نظامی روسیه به اوکراین (و تحریم روسها)، توسعه روابط با کشورهای شرقی برای روسیه از اهمیت و جایگاه مهم‌تری برخوردار شده است. از آنجا که در نشست‌های اعضای سازمان شورای همکاری کشورهای خلیج فارس همواره ادعاهای ارضی امارات متحد عربی مورد تاکید قرار گرفته، روسیه هم برای توسعه روابط با این کشورها، به این دغدغه توجه کرده و براساس ملاحظات و منافع خود، ادعاهای بی‌پایه و غیرمستند امارات را در این بیانیه مورد تایید قرار داده است. درحالی که این جزایر همواره به ایران تعلق داشته و این نوع رفتارها نشان‌دهنده تلاش روسیه برای تامین منافع خود، گاه با ایران، گاه بدون ایران و حتی گاه در برابر ایران، ارزیابی می‌شود.

**البته طبیعی است روسیه براساس منافع ملی خود رفتار و عمل کند. غیرطبیعی، شرایطی است که در آن ایران به منافع خود بی‌توجهی می‌کند. طی دهه‌های متمادی، راهبرد موازنه منفی (و یا موازنه مثبت)**

مهم‌ترین رویکرد ایران در مواجهه با قدرتهای جهانی بوده است. اما طی سالهای اخیر، ایده بازگشت به شرق در دولتهای اصولگرا مطرح شده و آسیبهای فراوانی به منافع کشور وارد ساخته است. شما این تغییر ریل در حوزه سیاست خارجی، انحصار را به سمت شرق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه از دهه گذشته، راهبردی با عنوان سیاست «نگاه به شرق»، «سیاست شرقی» و در واقع «شرق‌گرایی» در ایران مطرح شده و از درون آن گسترش روابط نامتوازن با روسیه و چین در پیش گرفته شده است. بدون اینکه به الزامها و ویژگیهای جغرافیایی ایران، الزامات ژئوپلیتیکی کشور توجه شود. در واقع این سیاست به اشکال گوناگون، با انکار اهمیت و ضرورت توسعه روابط متوازن با کشورهای شرقی و غربی به ویژه با در نظر گرفتن موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران دنبال شده است؛ نتیجه این راهبرد هم از پیش مشخص است، چراکه چنین سیاستی پاسخگوی منافع ایران و تامین‌کننده منافع ملی کشور ما نیست. در اساس همه کشورهای که ویژگیهای مشابه ایران را دارند به ویژه کشورهای منطقه اوراسیای مرکزی در مرزهای شمالی ایران (شمال شرقی تا شمال غربی و حتی شرق و غرب ایران) به راهبرد موازنه‌سازی توجه کرده و آن را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. این کشورها هم اغلب تلاش می‌کنند توازن را در روابط خارجی خود به وجود آورند، چراکه تجربه‌های تاریخی بارها نشان داده است؛ اتکا و نزدیک شدن به یکی از قطبهای قدرت جهان (شرق یا غرب) به تنهایی، تامین‌کننده نیازها و مصالح ملی و منافع عمومی کشور نخواهد بود. این روند (شرق‌گرایی)

در واقع ایجاد فرصتی برای قدرتهای شرقی است تا آنها با بهره‌گیری از رویارویی و تیرگیهای روابط ایران با کشورهای غربی، اروپایی و امریکایی، منافع خود را با قیمتهایی بسیار ارزان‌تر، هزینه‌هایی بسیار پایین‌تر تامین کنند. در واقع در شرایط نبود توازن در تنظیم روابط با قدرتهای شرقی و غربی، این بازیگران دیگر هستند که از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران بهره برده و منافع خود را تامین می‌کنند. ایران در این مدل راهبردی، به جای استفاده از ظرفیتها و توانمندیهای خود به کارت موثری برای بازیها و معادلات قدرت دیگران بدل می‌شود. با این عدم توازن کشور ما زمینه را برای تامین منافع قدرتهای دیگر فراهم می‌کند. تصور و رویای روابط راهبردی با روسیه و بی‌توجهی به پیامدهای این رویکرد در روابط ایران با روسیه و حیرت زده شدن از رفتار اخیر در حمایت روسیه از بیانیه اخیر شورای همکاری کشورهای خلیج فارس و حمایت از ادعای ارضی علیه ایران و... از

جمله خروجی‌های این راهبرد نامتوازن و نامتعادل است. اگر این ناتوازی و پیامدهای آن به درستی مورد ارزیابی قرار نگیرد (که نگرفته) به طور طبیعی شرایط فعلی (از بین رفتن منافع ملی و دخالت دیگران در حوزه‌های مهم مانند یکپارچگی سرزمینی و حاکمیت ملی) به اشکال گوناگون در مورد قدرتهای شرقی (چین و روسیه) تکرار خواهد شد.

در این میان، یکی از ابهامات، نحوه کنشگری کشوری مانند عربستان در مواجهه با ایران است. عربستان از یک طرف با میانجیگری چین روابطش با ایران را از سر گرفته و آن را توسعه میدهد و از سوی دیگر در پرونده‌هایی چون میدان انرژی مشترک آرش و بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس، رویکردهای تنیدی را در پیش گرفته است. نوسانات اخیر در رفتار عربستان را چطور میتوان تفسیر کرد؟

این کنشهای متفاوت عربستان و دیگر کشورهای عربی، باید ایران را متوجه سازد که برای همه کشورهای جهان، معیار اصلی در تنظیم روابط خارجی با کشورهای دیگر، تامین منافع و ارتقای آن است. بنابراین در هر حوزه‌ای که این هدف حاصل شود، همسویی، همراهی و هماهنگی قابل دیدن است و در هر قلمرویی که این منافع حاصل نشود تضادها شکل می‌گیرند. به ویژه این روند در حوزه‌های اقتصادی و حوزه‌هایی که نیاز به تامین امنیت برای فعالیتهای اقتصادی (فضای امن در سرمایه‌گذاری‌های چین در این منطقه) دارند، معنا پیدا میکند. این کشورها در اولویتهای ملی خود تلاش برای ارتقای همه‌جانبه اقتصادی-فنی، همچنین ایجاد ارتباط نزدیک و سازنده با جامعه جهانی و بهبود جایگاه خود در نظام بین‌المللی را دنبال میکنند. این راهبرد به معنای چشم‌پوشی از اختلاف‌نظرهای این کشورها با ایران نیست. همان‌طور که به معنای چشم‌پوشی از دغدغه‌ها و علایق راهبردی خود این کشورها هم نیست. این روند نشان میدهد که در تنظیم روابط بین کشورها، به‌طور مرتب و منظم حوزه‌های تعارض و همکاری به شکل‌های گوناگون خود را نمایان می‌سازد. بنابراین تصمیم‌گیرندگان و مجریان حوزه دیپلماسی باید آمادگی برخورد مناسب و تامین منافع کشور را در موقعیتهای مختلف با هوشیاری و هوشمندی مبتنی بر شناخت دقیق بازیگران منطقه‌ای داشته باشند. در واقع نه باید دچار خوش خیالی و توهم در مورد پایان یافتن همه زمینه‌های منازعه‌ها باشند و نه نگاه سفید و سیاه در مورد کشورهای شرقی- غربی یا شمالی- جنوبی داشته باشند. همان‌طور که توضیح داده شد همه کشورها تلاش میکنند تا از امکانات و ظرفیتهای در اختیار خود، برای تامین منافعشان استفاده

